

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۷ فبروری ۲۰۱۷

## قدرت نمائی مسکو در مسکو

فدریشن روسیه به تاریخ ۱۵ فبروری کنفرانسی پیرامون بحران افغانستان در مسکو به راه انداخت که در آن نمایندگان کشور های افغانستان، پاکستان، هند، ایران و چین اشتراک نموده بودند. در این اجتماع شش گانه از امریکا دعوت نشده بود. روی همین دلیل بود که افغانستان یک نماینده پائین رتبه خود را به مسکو فرستاد تا باعث غضب امریکا نگردد. این کنفرانس زمانی راه اندازی شد که سران ناتو روسیه را متهم ساخته اند که این کشور روش امریکا را برای حل مسایل منطقه ئی زیر سوال برده است. سناتور مکین امریکائی حمایت مسکو را از طالبان محکوم نموده و متذکر شد که "روسیه در صدد به مبارزه طلبیدن امریکا در افغانستان است". مبصرین سیاسی دعوت نشدن امریکا را در کنفرانس مسکو عمدی می دانند، زیرا روسیه می خواهد که بار دیگر در سیاست افغانستان داخل شود و ابتکار عمل را از امریکا بر بیاورد، طوری که در سوریه انجام داد. بازی بزرگی در افغانستان در افق به مشاهده می رسد.

کنفرانس تاریخی ۱۵ فبروری در مسکو به ارتباط افغانستان زمانی برگزار شد که چند روز قبل از آن جنرال نیکلسون قومندان قوای متجاوز امریکا در افغانستان در کانگرس این کشور گفت "روسیه با برقراری رابطه با گروه طالبان در پی بی ثباتی و ضعیف ساختن حکومت کابل است". امریکا و افغانستان در مجموع از کنفرانس مسکو خوشنود نبودند، بالاخص این که از امریکا قیم دولت مستعمراتی کابل دعوت نشده بود. باید یاد آور شد که فقدان دعوت از امریکا نباید اشتباه سیاسی زعامت روسیه تلقی شود، بلکه یک اقدام عمدی و ناچیز شمردن این کشور از جانب مسکو بود. دولت مستعمراتی کابل برای خوشنودی امریکا، یک مأمور درجه سوم خود را به مسکو فرستاد تا از یکسو سهمی در کنفرانس داشته باشد و از سوی دیگر ناخوشنودی خود را از عدم حضور امریکا ابراز کند. در جلسه دو ماه قبل مسکو و نبود نماینده دولت مستعمراتی کابل، قهر و غضب افغانستان اشغال شده را سبب گردید. افغانستان همیشه ادعا می کند که در هر گردهمایی در مورد افغانستان، باید قبلاً با این کشور تفاهم صورت بگیرد و سهم کابل صد در صد باشد. در حالی که نه روسیه و نه پاکستان چنین وقعی به افغانستان قایل شده اند.

دولت مستعمراتی کابل معتقد است که مذاکرات صلح بین کابل و مخالفان یک موضوع کاملاً بین الافغانی است. لذا، علاقه مندی کشور های دیگر بدون استیذان کابل، مداخله در امور داخلی افغانستان شمرد می شود. کابل ادعا می دارد که "مذاکرات صلح با حزب اسلامی با ابتکار هر دو جناح به موفقیت انجامید. بنابراین اگر دیگران (کشور های بیگانه) مداخله و کارشکنی نمایند، دولت کابل این ظرفیت را دارد که با مخالفان به توافق برسد". به عقیده دولت کابل،

مداخلات دیگران جریان صلح را از مسیر اصلی منحرف می سازد و به بیراهه می برد. سؤال در این جاست که آیا دولت مستعمراتی کابل توانایی و قابلیت این را دارد که مخالفان را به پای میز مذاکره بکشاند؟ مخالفان هم بار ها گفته اند که دولت کابل را به رسمیت نمی شناسند و حاضر به مذاکره با این دولت نیستند. معاهده صلح دولت کابل با حزب اسلامی بدون اشاره امریکا نا ممکن بود. حزب اسلامی قبلاً سر اطاعت به امریکا خم نمود و توبه کرد. دولت کابل نه صلاحیت حقوقی دارد و نه حاکمیت سیاسی که بتواند به تنهایی ابتکار مذاکرات صلح را با هر جناحی که باشد، به دوش گیرد.

کنفرانس مسکو در چوکات "بازی بزرگ" به راه افتاد. بدون کمترین تردید که فدریشن روسیه به تعقیب منافع خود و کشت و مات دادن امریکا در افغانستان است. باید خاطر نشان ساخت که "بازی بزرگ" قرن ۱۹ بین روسیه و برتانیه منحصر به آسیای مرکزی و جنوب آسیا بود. اما بازی بزرگ قرن ۲۱ بین روسیه و امریکا جهانشمول است. بدین معنی که این دو کشور در سراسر جهان با همدیگر به رقابت برخاسته اند و در صدد ناکام ساختن یک دیگر در هر مکان مورد نظر اند. بعد از فروپاشی شوروی، امریکا آقای بلامنازع جهان شد و متفکرین این کشور "پایان تاریخ" و پیروزی نظام لیبرال را به نفع امریکا اعلام کردند. لکن، موفقیت امریکا دیر پا نبود. بعد از مدت ده سال، روسیه تحت رهبری پوتین خود را برای مقابله با امریکا و ناتو آماده ساخت. علی رغم اقتصاد ضعیف و فشار غرب، روسیه، امریکا و اروپای غربی را به مبارزه طلبیده و تابع خواست آنها در سیاست جهانی نمی شود. بحران اوکراین و کامیابی موقتی امریکا در به راه انداختن کودتا به نفع غرب، روسیه را جداً به مقابله وادار ساخت که نتایج آن الحاق کریمیه و تداوم جنگ در اوکراین است. امریکا بازی اول را در اوکراین برد، اما بازی دوم را باخت. روسیه مصمم شد که برای نبرد سیاسی و حتا نظامی آمادگی بگیرد که نمونه آن را در سوریه مشاهده می کنیم. روسیه نمی تواند و نمی خواهد که دگرگونی حوادث عراق و لیبیا را به نفع امریکا بیش از این تحمل نماید. بنابراین، دیپلماسی روسیه در افغانستان را هم باید در ورای بحرانهای جهانی مورد ارزیابی قرار داد و از آن نتیجه گیری نمود.

ابتکار روسیه در به راه انداختن کنفرانس مسکو بسیار هوشیارانه بود. این کنفرانس زمانی صورت گرفت که دقیقاً روسیه ۲۸ سال قبل و در روز ۱۴ فیبروری ۱۹۸۹ طور افتضاح آمیزی به شکست خود در افغانستان اعتراف کرد و با سرشکستگی کشور ما را ترک نمود. اکنون روسیه می داند که چه خطای جبران ناپذیری را رهبران آن وقت کریملین در تجاوز به افغانستان مرتکب شدند که قسماً زوال شوروی را سبب گردید. اکنون وقت آن رسیده تا دوباره به تیاتر افغانستان برگردد و با به کار بردن روش آن وقت غرب علیه شوروی، امریکا و ناتو را در افغانستان زیر فشار قرار دهد که جزء همان "بازی بزرگ" قرن ۲۱ است که طور بیرحمانه ای در سراسر جهان در حال تکوین می باشد.

دولت مستعمراتی کابل که فاقد هر گونه صلاحیت ابتکار عمل است، با فرستادن یک مقام درجه سه این پیام را به اشتراک کنندگان کنفرانس داد: "کشورهای منطقه از سیاست افغانستان در برابر هراس افگنی حمایت کنند و رابطه آنان با کابل دولت محور باشد... دولت افغانستان امیدوار است تا تمام کشورهای منطقه از تلاش های افغانستان برای تأمین امنیت کامل این کشور حمایت کنند". اما درد افغانستان در جای دیگر بود: نبود کشور قیم افغانستان یعنی امریکا. نماینده دولت مستعمراتی در کنفرانس مسکو گفت که "امریکا حامی مهم برنامه های اقتصادی و سیاسی دولت افغانستان است و می تواند نقش عمده در تأمین صلح و ثبات در افغانستان ایفا کند." از لحن صحبت نماینده افغانستان اشغال شده بر می آید که دعوت نشدن امریکا در کنفرانس مسکو برای دولت مستعمراتی کابل چقدر دردآور بوده است. باید خاطر نشان ساخت که "صلاح الدین ربانی" یک هفته قبل در روسیه بود و با "لاوروف" وزیر خارجه روسیه دیدار داشت، اما نظر به هدایت مقامات بالائی (امریکا) در کنفرانس مسکو شرکت نکرد و به عوض یک فرد درجه سه وزارت خارجه دولت

مستعمراتی کابل فرستاده شد. در عین وقت مقامات رسمی امریکا اعلام کردند که "تماس روس ها با طالبان همراه با ایران و پاکستان به طالبان مشروعیت می دهد و دولت فعلی افغانستان و فعالیت های ضد تروریستی ناتو را تخریب می نماید". روسیه به این گفتار امریکا وقعی قایل نشده و هنوز هم بر مبنای دیپلماسی کشت و مات امریکا و ناتو در افغانستان به پیش می رود.

کنفرانس مسکو به ارتباط افغانستان یک موضوع مهم را به جهان فهماند: نمی توان روسیه را در مسایل عمده دنیائی منزوی ساخت و این کشور را از معادلات ستراتیژیک به دور انداخت، بالاخص این که بحرانات و حوادث سیاسی در مجاورت این کشور اتفاق افتاده باشد. دلچسپ این که، لاوروف وزیر خارجه روسیه خاطر نشان ساخت، "همانطوری که ما با امریکا در سوریه به توافق رسیدیم، می توانیم در افغانستان هم به توافق برسیم". این جمله در دیپلماسی و سیاست ده ها معنا را افاده می کند. این کنفرانس همچنان به جهان نشان داد که رقابت بین روسیه و امریکا در افغانستان در حال گسترش است و به این زودی به پایان نمی رسد، مگر این که منافع جهانی روسیه توسط غرب شناخته شود و از بی ثباتی روسیه جلوگیری به عمل آید. روسیه در خصوص منافع و امنیتش هرگز عقب نشینی نخواهد کرد و به نفع امریکا صحنه را ترک نخواهد گفت. انهدام عراق و لیبیا و خلق بحران اوکراین درس های آموزنده ای برای روسیه است که تکرار آن برای این کشور غیر قابل پذیرش خواهد بود. ناکامی امریکا در افغانستان و عروج دوباره طالبان، مسکو را بیشتر تشجیع نموده تا امریکا را در افغانستان زیر فشار قرار دهد و "زخم خونچکان" روسی را امریکائی بسازد. معاملات پنهانی روسیه با طالبان به بهانه مبارزه علیه داعش بر "زخم خونچکان" در حال گسترش امریکائی نمک می باشد تا فغان زخم خورده به آسمان ها بلند شود. خلاصه این که، اهداف روسیه در افغانستان به چند نکته اساسی خلاصه می گردد:

۱. بازی جدید بین روسیه و امریکا جهانی شده که افغانستان یک گوشه آنست.
۲. امنیت کشور های آسیای مرکزی در اولویت روسیه قرار دارد و مسکو سعی می کند مانع هر نوع افراط گرائی مذهبی و رخنه آن از افغانستان در این منطقه شود.
۳. افغانستان تنها انحصار غرب نیست و منافع روسیه نباید درین کشور نادیده گرفته شود.
۴. توافق با طالبان برای بازدارندگی داعش از رخنه کردن به آسیای مرکزی برای امنیت روسیه حتمی است.
۵. بلند بردن توانائی روسیه در چانه زنی سیاسی جهانی که افغانستان یک محل مناسبی درین راستا برای روسیه تلقی می گردد.
۶. بهره برداری از تدوام جنگ و ناکامی امریکا و ناتو در افغانستان، بهترین زمینه سازی برای بازگشت روسیه به افغانستان شمرده می شود.
۷. بازگشت روسیه و رقابت با امریکا در سیاست جهان که مدتی توسط امریکا کنار زده شده بود. افغانستان می تواند یکی از آن کشور ها باشد.
۸. متزلزل ساختن جایگاه امریکا در افغانستان هدف والای روسیه است.
۹. به دست آوردن امتیازات در افغانستان که در حقیقت همانند کشور های آسیای مرکزی از موجودیت و قدرت روسیه در منطقه است.
۱۰. انگیزه اقتصادی فکتور دیگری در علاقه مندی روسیه در افغانستان است. ذخایر گاز آسیای مرکزی و انتقال آن به جنوب آسیا دست روسیه را در معادله ستراتیژیک بالا می برد. تماس با طالبان و آرامش در مناطق تحت

تسلط طالبان برای انتقال گاز آسیای مرکزی به مسکو آرامش می بخشد و حضور روسیه را در منطقه تقویت می نماید.

۱۱. انتقام شکست شوروی از امریکا در افغانستان. روسیه از عین تکلیک امریکا استفاده می کند. بازنده اصلی درین "بازی بزرگ" دولت مستعمراتی کابل است. این نظام نه در داخل حاکمیت سیاسی و حقوقی دارد و نه در سطح جهانی از حیثیت قابل ملاحظه ای برخوردار است. دولت کابل باید بداند که بدون اعاده استقلال و ترویج آزادی های دموکراتیک مشروعیتش سؤال برانگیز خواهد بود و حاکمیتش پا در هوا باقی خواهد ماند.